

مدیریت خانواده و کار در سبک‌زندگی اسلامی

محسن منطقی^۱

چکیده

زمینه: با گسترش شهرنشینی و فعالیت‌های اجتماعی، عمده وقت سرپرست خانوار، بیرون از خانه می‌گذرد. مردان برای انجام فعالیت اقتصادی، کسب علم و مهارت، ورزش و... وقت کمتری را برای اهل خانه صرف می‌کنند. از سوی دیگر، خانه، بستر شکل‌گیری نهادی مقدس است و چیدمان تعالی یا اضمحلال جامعه نیز در آن صورت می‌گیرد. هدف این تحقیق، یافتن سبک متعادلی از زندگی است که بتواند بین زندگی خانوادگی و کاری، سازگاری ایجاد کند. این تعادل بر اساس سبک‌زندگی اسلامی خواهد بود.

روش کار: در این تحقیق با استفاده از یافته‌های دانش مدیریت و آموزه‌های اسلامی در امور اجتماعی، تلاش شده است که یافته‌های ترکیبی بر مبنای تحلیل عقلی و اجتهادی به دست آید. بر این اساس، یافته‌های پژوهش با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی یافته‌ها، ارزیابی شده است.

یافته‌ها: با توجه به اهمیت روابط خانوادگی و گستره آن و از سوی دیگر، اهمیت کار برای بهبود وضع زندگی و پیشرفت جامعه، طیفی از ترکیب این دو زندگی به دست آمد که عبارت بود از: بی‌توجه به زندگی، بدون برنامه، کار محور، خانواده‌محور و زندگی تعادل‌مدار. بر اساس توصیه‌های اسلامی، سبک‌زندگی تعادل‌مدار مورد تأکید قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان به این نتیجه رسید که مدیران جامعه اسلامی باید تلاش کنند تا بر اساس آموزه‌های دینی، شرایط تحقق سبک تعادل‌مدار را در زندگی خانوادگی و کاری کارکنان به وجود آورند. تلاش مستمر، قناعت، اعتدال، توکل و دعا، از مهم‌ترین راهکارها برای تقویت سبک تعادل‌مدار است.

کلید واژه‌ها: سبک‌زندگی اسلامی، زندگی خانوادگی، زندگی کاری.

مقدمه

نهاد خانواده، بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است که باعث تداوم حیات بشری می‌شود. زن و شوهر، هسته اولیه آن شمرده می‌شوند و با پیمان زناشویی، آن نهاد را تأسیس می‌کنند. خانواده، مأمن آرامش طرفین است، تأمین‌کننده نیازهای عاطفی و روحی می‌شود و با تولد فرزندان، تداوم نسل بشری را رقم می‌زند. هسته اولیه با بر عهده گرفتن مسئولیت، در حفظ و پایداری این نهاد می‌کوشد. مردان، سعی می‌کنند منابع مالی را تأمین کنند و رفاه را برای اعضا فراهم سازند. کار و تلاش، مایه حیات افراد است و ضمن تأمین نیازهای خانواده، اسباب ترقی جامعه را فراهم می‌کند. این مقاله درصدد است، اهمیت و جایگاه زندگی شخصی و شغلی را از نظر اسلام، بررسی کند و در پی آن به سبک‌زندگی اسلامی بپردازد. موضوع این نوشتار، ابتدا با بررسی اهمیت زندگی خانوادگی و جایگاه کار، شروع و در ادامه، حالات‌های مختلف ترکیب آن دو، تحلیل می‌شود. در این تحقیق تلاش شده است با استفاده از منابع اسلامی و کلید واژه‌های تحقیق، مفاهیم مرتبط در منابع اسلامی (قرآن و روایات)، شناسایی شود و با بهره‌مندی از تفاسیر شیعه و تحلیل‌های عقلی، نتایج قابل قبولی به دست آید.

بررسی مفاهیم اساسی

ابتدا لازم است برخی از مفاهیم دارای جایگاه ویژه در این تحقیق، تعریف شوند. این مفاهیم عبارتند از: سبک‌زندگی اسلامی، زندگی خانوادگی و زندگی کاری.

الف) سبک‌زندگی اسلامی

سبک‌زندگی، ناظر به رفتاری است که افراد، کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی خویش را بر اساس آن انجام می‌دهند؛ به عبارت دیگر سبک‌زندگی، شیوه خاصی از زیستن است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت ویژه، اختصاص دارد. بر این اساس می‌توان سبک‌زندگی اسلامی را چنین تعریف کرد: «شیوه زندگی اجتماعی که همه یا بیشتر مسلمانان یا گروه مؤثری از جامعه اسلامی به آن عمل می‌کنند و در رفتارشان منعکس می‌شود.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۵) این شیوه، برگرفته از توصیه‌های قرآنی و گفتار یا رفتار معصومان علیهم‌السلام است.

انسان در زندگی، در معرض کارهای مختلفی قرار می‌گیرد. چگونگی انجام، اولویت‌بندی و هدف‌گذاری آنها از موضوعاتی است که می‌توان بر اساس آموزه‌های اسلامی برای آن موارد، راهکارهای عملی، شناسایی کرد و مردم را به آن موضوعات، عادت داد. این امور به مرور زمان، سبک رفتاری آنان، قلمداد شده، جامعه اسلامی بر اساس آن سبک، شناخته می‌شود. سبک زیستن

در مقولات مختلف زندگی شخصی (مانند اوقات فراغت، علایق شغلی، سلايق هنری و...) و زندگی اجتماعی (مانند زندگی خانوادگی، زندگی سازمانی، حکومت‌داری و...) جریان دارد؛ اما در این مقاله بر سبک زندگی اجتماعی، تمرکز شده است.

ب) زندگی خانوادگی

خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که ارکان اصلی آن با ازدواج یک زن و مرد، شکل می‌گیرد و با تولد فرزندان، تکمیل می‌شود. این نهاد از نظر اسلام، دارای جایگاه ارزنده‌ای است؛ از این رو باید بر اساس دستورهای دینی، شکل گیرد و تعالی یابد. در توصیه‌های اسلامی با شناخت وظایف و مسئولیت‌های هر یک از اعضای خانواده، می‌توان سعادت همه افراد آن را انتظار داشت. این نهاد مقدس در فرهنگ اسلامی، پناهگاه دو رکن اصلی آن (زن و شوهر) است؛ زیرا نیازهای عاطفی و جنسی زن و شوهر را به شکل سالم تأمین می‌کند، با تولد فرزند و گسترده شدن مهر مادری در خانه، صفا و صمیمیت، افزون می‌شود و با شکل‌گیری و گسترده‌گی خانواده، روابط متعددی مانند روابط زن و شوهر، روابط والدین با فرزندان، روابط فرزندان با والدین، روابط فرزندان با یکدیگر و... شکل می‌گیرد. در هر یک از این روابط، رفتارها و انتظاراتی پدید می‌آید که همه باید بر اساس توصیه‌های اسلامی باشد تا تعالی افراد را به دنبال داشته باشد. نکته مهم در زندگی، مسئولیت‌ها و وظایف پدر و مادر در برابر اعضای خانواده است. والدین، مهم‌ترین مسئولیت را در سعادت و شقاوت خود و فرزندان بر عهده دارند. تلاش هر یک از اعضا برای انجام وظایف خود، بر کارکردهای خانواده تأثیرگذار است. پدر، تلاش می‌کند که با کسب درآمد، وضعیت رفاهی را بهبود ببخشد، ضمن آنکه در تربیت و آموزش فرزندان نیز مسئولیت دارد. از سوی دیگر نیازهای عاطفی و جنسی زن و شوهر هم در سایه خانواده، تأمین می‌شود. زن و شوهر در خانواده اسلامی می‌کوشند که این مسئولیت‌ها و وظایف را بر اساس ضوابط شرعی و اخلاقی انجام دهند.

ج) زندگی کاری

هر نوع تلاش برای کسب درآمد، افزایش علم، پرورش جسم، تقویت روحیه و... بیانگر کار سازمانی یا زندگی کاری است. امروزه عمده کارها به صورت جمعی و سازمانی تحقق پیدا میکنند. محققان مدیریت، «سازمان» را عبارت میدانند «از یک نهاد اجتماعی با افرادی که در سایه همکاری با یکدیگر میکوشند تا به اهداف مشخصی دست یابند و دارای ساختاری آگاهانه و مرز مشخصی است.» (دفت، ۱۳۷۹: ۴۵) سازمان، شامل مجموعه‌هایی است که با نام‌های متعددی

همچون اداره، کارخانه، کارگاه، دفتر، مؤسسه، مرکز و... شناخته می‌شود. منظور از کار سازمانی، تلاشی است که در بیرون محیط زندگی، صورت می‌گیرد. افراد در سازمان‌ها با کمک یکدیگر، تلاش دارند که بتوانند به اهداف فردی و جمعی دست یابند.

عرصه‌های گوناگونی را برای مطالعات سبک کار اسلامی می‌توان برشمرد؛ مانند تعاملی که کارکنان در سازمان با یکدیگر دارند، تعاملی که افراد سازمان با سازمان‌های دیگر دارند، میزان تلاشی که افراد در سازمان انجام می‌دهند، مدت زمانی که افراد در سازمان صرف می‌کنند و...؛ به عبارت دیگر در سبک اسلامی، قواعد و اصولی برای رفتارهای بهینه در سازمان وضع شده است. در این تحقیق، کانون توجه در زندگی سازمانی، معطوف به مدت زمانی است که افراد، دلمشغولی سازمانی یا کاری دارند یا در سازمان برای انجام کار، صرف می‌کنند.

بیان مسأله

امروزه زندگی شهری خانواده‌ها، دچار تلاطم و دگرگونی شده است. مردان به منظور تأمین هزینه‌های زندگی و فعالیت‌های مربوط، بخش قابل توجهی از وقتشان را خارج از منزل می‌گذرانند. آنان با به عهده گرفتن مسئولیت‌ها و مشاغل متعدد یا پذیرفتن اضافه‌کار تلاش می‌کنند تا درآمد بیشتری برای خانواده فراهم کنند. حضور مستمر سرپرست خانوار در سازمان و حضور کم‌رنگ وی در محیط خانه، یکی از موضوعاتی است که ذهن اندیشمندان علوم تربیتی را به خود مشغول کرده است. این امر، خانواده را در معرض خطرهای متعددی قرار داده است. از سوی دیگر تأثیر زندگی شخصی بر روند فعالیت کارکنان در سازمان، اندیشمندان مدیریت را واداشته است که به زندگی در این دو عرصه توجه کنند.

به هر حال تعارض‌های گوناگونی بین دو بخش زندگی یعنی زندگی خانوادگی و کاری، شکل گرفته و نیازمند چاره‌سازی است. محققان مدیریت، آثار علمی فراوانی در این خصوص تدوین کرده‌اند تا بتوانند با چاره‌سازی مناسب، سبک‌زندگی متعادل را به جامعه ارائه دهند.

در واقع، زندگی مردم از دو نیمه «کار سازمانی» و «زندگی شخصی» تشکیل شده است. در مطالعات مدیریتی، تعارض‌های گوناگونی بین این دو نیمه زندگی، مشاهده شده است. فشار کار سازمانی، منجر به ایجاد تنش‌هایی در زندگی شخصی شده است؛ چنان‌که نبودن آرامش در زندگی شخصی، کار سازمانی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این تحقیق تلاش می‌شود که بر اساس آموزه‌های اسلامی، جنبه‌های گوناگون زندگی شخصی و شغلی، مورد مطالعه قرار گیرد. سپس شیوه و شرایط تلفیق این دو نوع زندگی، شناسایی و سبک زیستن اسلامی ارائه شود.

پیشینه پژوهش

موضوع تعادل بین زندگی کاری و خانوادگی، دغدغه‌ای بوده که طی پنجاه سال گذشته در آثار اندیشمندان مدیریت، قابل مشاهده است. مقالات و کتاب‌های قابل توجهی در این باره تألیف شده است که اکنون به برخی از آن موارد پرداخته می‌شود:

کلارک (۲۰۰۰) به این موضوع توجه کرده که مفهوم تعادل کار و زندگی، یکی از موضوعات مورد توجه مدیریت منابع انسانی، باید قرار گیرد. او بر این باور است که این موضوع می‌تواند در برقراری تعادل بین کار و زندگی، نقش مهمی ایفا کند؛ زیرا با پرورش انسان‌های متعادل می‌توان، جامعه سالم‌تری از نظر خانوادگی و سازمانی داشت (کلارک، ۲۰۰۰: ۷۴۸). وی با توصیه‌های متعدد در صدد است که در وظایف مدیریت منابع انسانی در سازمان‌ها تحول ایجاد کند و به آنها بقبولاند که در قبلاً وظایف خانوادگی نیز وظایفی را بر عهده بگیرند.

میرسپاسی (۱۳۸۶) نیز سازمان‌ها را مسئول ایجاد هماهنگی بین وضعیت کاری و خانوادگی می‌داند. وی معتقد است که امروزه، یکی از وظایف راهبردی مدیریت منابع انسانی، ارائه خدمات رفاهی به کارکنان است. این خدمات، شامل تسهیلات ورزشی، کمک در تهیه مسکن، پشتیبانی از مسائل بهداشتی خانواده، تدارک مکان‌های تفریحی برای همسر و فرزندان کارکنان، چاپ بروشور و مجله‌های آموزشی برای خانواده‌ها و... می‌شود. این خدمات رفاهی نه تنها باعث جلوگیری از فرار کارکنان از سازمان می‌شود؛ بلکه موجب ایجاد انگیزه کار و تقویت انگیزه از سوی خانواده کارکنان می‌شود (میرسپاسی، ۱۳۸۶: ۳۳۸).

شاید یکی از قدیمی‌ترین آثاری که به این موضوع پرداخته است، اثر گرینهاوس و بیوتل (۱۹۸۵) است. آنان دریافتند که تنش‌های به وجود آمده در هر یک از این دو بخش زندگی می‌تواند، به بخش دیگر منتقل شود. مسئولیت‌های خانوادگی طاقت‌فرسا از یک سو و مسئولیت‌های کاری و ساعات کاری طولانی، تضاد را برای افراد به ارمغان می‌آورد. این تضاد به اختلال در عملکرد فرد در خانواده و سازمان منجر خواهد شد (گرینهاوس و بیوتل، ۱۹۸۵: ۷۹). در این تحقیق، تلاش شده است که به طور گذرا، توجه مدیران را به این مسأله جلب کند و راه حلی ارائه نشده است.

کار، بخشی از زندگی است. نمی‌توان بین این دو، مرز مشخصی ترسیم کرد؛ به طور کلی تعادل کار و زندگی یعنی برقراری تناسب و توجه به خانواده و سازمان بر حسب شرایط و نیاز. باید هر دو زندگی را لذت‌بخش کرد. این موضوعی است که دو محقق به نام بارنات و بهارگاوا (۲۰۱۰) به آن پرداختند. این دو محقق در بررسی خود بر این توصیه، تأکید کردند که سازمان‌ها باید به صورت خانوادگی شکل بگیرد. حضور اعضای خانوار در یک سازمان می‌تواند مرز کار

و خانواده را به هم نزدیک کند (بارنات و بهارگاوا، ۲۰۱۰: ۲۷۶).

چالش بین دو زندگی خانوادگی و کاری در سال‌های اخیر، برخی از محققان را وادار کرده است که پیشنهاد شکل‌گیری سازمان‌های خانوادگی را بدهند. بارال و بهارگاوا (۲۰۱۰) با تحقیق میدانی در چهار کارخانه و بررسی وضعیت ۲۱۶ نفر از کارکنان این سازمان‌ها، پیشنهاد خود را تقویت کرده‌اند. آنان معتقدند چنین سازمان‌هایی که عمده کارکنانشان از اعضای یک خانواده‌اند، با همراه بودن یک فرهنگ مشترک بهتر می‌توانند به درک مشکلات کمک کنند و در مواقع سختی، دادرس خوبی برای یکدیگر باشند. چنین سازمان‌هایی از یک فرهنگ سازمانی غنی برخوردار بوده و راه‌حل‌های مناسبی برای چالش بین زندگی خانوادگی و کاری ارائه کرده‌اند (بارنات و بهارگاوا، ۲۰۱۰: ۲۷۴).

جوسون و همکارانش (۲۰۱۲) در بررسی تعارض بین زندگی خانوادگی و شغلی، بر این باورند که رضایت زندگی خانوادگی می‌تواند بر تعهدات کاری تأثیر بگذارد؛ چنان‌که رضایت شغلی، می‌تواند زندگی آرامی را پدید آورد. آنان به این منظور درصدد برآمده‌اند که با بررسی عوامل روانی، وضعیت کارکنان را بهبود ببخشند. ایشان معتقدند که دو عامل اعتماد به نفس و کنترل درونی، در این رضایت‌مندی نقش اساسی دارد (مات جوسون و همکاران ۲۰۱۲: ۶۰).

اسدی و همکاران (۱۳۹۳) با انجام تحقیق در یک شرکت خودروسازی بر این نکته تأکید دارند که عوامل سازمانی مانند حجم کار، انعطاف‌پذیری سازمان، حمایت سازمانی و حمایت سرپرست می‌توان به تعادل بین زندگی کاری و خانوادگی پرداخت. تحقیقات نشان می‌دهد که رابطه‌ای نسبتاً قوی در میزان تعادل بین کار و زندگی وجود دارد. هر چه افراد نسبت به زمانی که در محل کار حاضر می‌شوند، مکان انجام فعالیت، زمان‌بندی و اولویت‌بندی کارهای روزانه خود، کنترل بیشتری داشته و از آزادی بیشتری برخوردار باشند، تعادل بهتری بین کار و زندگی احساس می‌کنند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۱).

ابعاد زندگی خانوادگی

زندگی اجتماعی، تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی انسان‌هاست. برخی از نیازهای انسان در زندگی فردی تأمین نشده و برخی دیگر از نیازها در زندگی فردی به شکل ناقص تأمین می‌شود؛ از این رو، زندگی اجتماعی، ضرورت حیات بشری شده است. انسان در پیدایش خود، نیاز به دیگران (پدر و مادر) دارد؛ چنان‌که برای ادامه حیات نیز به دیگران نیازمند است. نیاز طفل به مادر برای تأمین شیر و اشباع نیازهای عاطفی، بخشی از این نیاز است. افراد، نیازهای روحی، عاطفی و جنسی خود را با محبت به دیگران، ازدواج، عشق ورزیدن به دیگران، فرزنددار شدن

و... تأمین می‌کنند. همچنین در جنبه تأمین نیازهای مادی و استفاده از مواهب طبیعی برای کسب درآمد هم، نیازمند همکاری با دیگر هموعان خود هستند.

به هر حال احتیاج انسان‌ها به یکدیگر، یک امر مسلم است؛ اما رابطه انسان با اعضای خانواده، اعم از پدر و مادر، برادران و خواهران، همسر و فرزندان و بستگان نسبی و سببی، تأمین‌کننده عمیق‌ترین و گسترده‌ترین نیاز انسان در طول زندگی است. در محیط خانواده، روابط گوناگونی وجود دارد، مانند روابط میان زن و شوهر، روابط پدر و مادر با فرزندان، روابط فرزندان با پدر و مادر و روابط فرزندان با یکدیگر. بنابراین کانون توجه در موضوع زندگی خانوادگی، ارتباط با اعضای خانواده است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، این روابط می‌تواند شکل‌های متعددی داشته باشد که در اینجا بررسی می‌شود:

۱. روابط با والدین

از آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود که مهم‌ترین رابطه ممکن بین دو انسان، رابطه فرزند با پدر و مادر است که نمایانگر وابستگی وجود فرزند به وجود والدین او است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۵۳). در آیات متعدد قرآن کریم، خداوند به فرزندان توصیه کرده که به پدر و مادرشان، احسان و به حفظ رابطه توجه کنند.

«قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (انعام / ۱۵۱)؛ بگو: بیاید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید.»

«وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء / ۲۳)؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرسستید! و به پدر و مادر نیکی کنید. هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو.»

احترام به والدین بسیار ارزشمند تلقی شده است؛ اما احترام مادر، به طور ویژه مورد تأکید قرآن کریم است:

«وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ هُنَّ عَلَىٰ وَهْنٍ وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدِكَ إِلَى الْمَصِيرِ (لقمان / ۱۴)؛ و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد. (آری به او توصیه کردم) که برای من

و برای پدر و مادر، شکر به جا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است.»
 به هر حال بر اساس آیات متعدد قرآن کریم، همه انسان‌ها توصیه شده‌اند که نزدیک‌ترین روابط را با والدین داشته باشند و به آنها احسان کنند. احسان در برگیرنده همه نیازهای عاطفی و مادی ایشان می‌شود.

۲. روابط با همسر

روابط متقابل با همسر نیز، یکی از روابط جاری در زندگی انسان است. این رابطه به صورت اختیاری شکل می‌گیرد. طرفین با پذیرش تعهدات زناشویی، دیگری را به همسری انتخاب می‌کنند. با انعقاد زوجیت بین این دو، شکل جدیدی از روابط به وجود می‌آید. رابطه ازدواج علاوه بر اینکه تأمین‌کننده نیازهای غریزی انسان است، از نظر اسلام، ارزش اخلاقی فراوانی دارد و به آن توصیه شده است:

«وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ (نور/ ۳۲)؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را

همسر دهید.»

این رابطه برای طرفین، تعهداتی دارد. تعیین مهریه و پرداخت نفقه، وظایفی است که مرد در قبال همسرش بر عهده می‌گیرد. از سوی دیگر، زن نیز خود را متعهد به تأمین نیازهای جنسی مرد دانسته، وظیفه ایجاد فضای امن در خانه را بر عهده دارد؛ چنان‌که وظیفه فرزندآوری و پرورش آن هم بر عهده وی است. البته در روابط زن و شوهر، این نکته، حائز اهمیت است که وظایف زن و شوهر، تنها بر مبنای قواعد حقوقی نیست؛ بلکه طرفین در برابر یکدیگر، وظایف اخلاقی متعددی دارند. ترکیب وظایف حقوقی و اخلاقی در اسلام و تأکید بیشتر بر روابط عاطفی و اخلاقی، تأمین‌کننده آسایش خانواده است: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم/ ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»

بنابراین مشاهده می‌شود که شکل دوم رابطه خانوادگی، مربوط به روابط متقابل زوجین است. این رابطه بر اساس یک پیمان حقوقی شکل گرفته، بر اساس روابط عاطفی و اخلاقی، تداوم می‌یابد. هسته اصلی نهاد خانواده، تداوم‌بخش نسل بشری خواهد بود.

۳. روابط با فرزند

رابطه سومی که در زندگی خانوادگی قابل توجه است، رابطه پدر و مادر با فرزندان است.

مبنای این رابطه، فطرت انسانی است. زن و شوهر، دل‌بستگی فراوانی به فرزندشان دارند. پدر و مادر با تولد فرزند، احساس توانمندی می‌کنند: «وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ (اسراء/۶)؛ و شما را به وسیله دارایی‌ها و فرزندان کمک خواهیم کرد.» آنان به داشتن فرزند بر خود می‌بالند: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (کهف/ ۴۶)؛ مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست.»

بنابراین همان‌گونه که والدین از این نعمت بزرگ الهی لذت می‌برند، در برابر آنان نیز، وظیفه تأمین معاش، تربیت و پرورش آنها را بر عهده دارند. والدین برای تربیت فرزند صالح، خود را موظف می‌دانند که رابطه خویش را با آنها تحکیم بخشیده، در تربیت آنان بکوشند.

۴. روابط با خویشاوندان

تاکنون مشخص شد که سه نوع رابطه مبنایی در خانواده وجود دارد که عبارت بود از: روابط با والدین، همسر و فرزند. البته رابطه فرد با برادران و خواهرانش نیز بخشی از روابط خانوادگی به حساب می‌آید. در آیات شریف قرآن کریم، مشتقات واژه «اخ» که به معنای برادر حقیقی است، در چند آیه، بعد از واژه «اب» به معنای پدر آمده است.

همچنین رابطه دیگری از نظر اسلام در زندگی خانوادگی مورد توجه قرار گرفته است که مربوط به روابط با خویشاوندان است. این روابط که بر اساس ارتباط نسبی یا سببی شکل می‌گیرد نیز بر مبنای عواطف، استوار است. رابطه با خویشاوندان باید همیشه مورد توجه قرار گیرد؛ حتی هنگام وصیت باید سهمی نیز برای خویشاوندان در نظر گرفته شود: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأَوْلِيَّةِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (بقره/۱۸۰)؛ بر شما نوشته شده: هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و خویشاوندان، به طور شایسته وصیت کند؛ این حقی است بر پرهیزگاران.»

خویشاوندان، عرصه گسترده‌ای را شامل می‌شوند. فرزندان برادران و خواهران، خویشاوندان پدر و مادر مانند عمو، دایی، خاله، عمه و فرزندان آنها، پدر و مادر همسر و برادران و خواهرانش؛ به عبارت دیگر، همه خویشاوندان نسبی و سببی را در بر می‌گیرد.

بنابراین روابط خانوادگی ضمن با اهمیت بودن از گستره قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. وظایف فرد در قبال این افراد، اقتضا می‌کند که بخشی از عمرش را برای رسیدگی به آنها اختصاص بدهد و در برابرشان احساس مسئولیت کند. خانواده، بخشی از زندگی هر فرد است و برای حفظ و استعلا آن افراد باید سرمایه‌گذاری کنند.

این نکته قابل یادآوری است که حفظ روابط با خانواده و بذل محبت به آنها، از نظر اسلام

به طور مطلق نیست. به بیان دیگر اسلام، هرگز مردم را دعوت نمی‌کند که به خویشاوندان خود، به دلیل خویشاوندی محبت کنند؛ بلکه محبت به خویشاوندان از نظر اسلام، محبت فی الله است. یعنی اگر آنان در مسیر الهی هستند، باید به آنها بذل محبت کرد، نه به علت آنکه آنان خویشاوندند. البته اسلام، اهتمام زیادی به مسأله قرابت و صله رحم دارد؛ حتی توصیه شده، اگر خویشاوندان غیر مؤمنان فقیرند، از بذل مال به آنها خودداری نکنید، هر چند شایسته بذل محبت حقیقی نیستند (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۸، ۶۴).

ابعاد زندگی کاری

مفهوم کار به طور طبیعی با رنج و زحمت، همراه است؛ اما از آنجا که پیامدش برای انسان، ایجاد رفاه و آسایش است، لذت دارد. عنصر اصلی در تجلی شخصیت افراد و پیشرفت جامعه، کار است. انسان با آن می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی خود و خانواده‌اش را رقم بزند. در فرهنگ و سبک‌زندگی اسلامی، فعالیت کاری، محدودیت دارد. افراد مجاز نیستند که برای کسب درآمد به هر نوع کار (اعم از تولید یا خدمات) دست بزنند. فقهای اسلامی تحت عنوان «مکاسب محرمه»، موارد غیرمجاز را مشخص کرده‌اند. از سوی دیگر اگر کار را اعم از کار جسمی و ذهنی بدانیم، برخی از فعالیت‌های ذهنی، ابتکارات و طراحی‌ها که در جهت مصالح بشری نیست، حرام دانسته شده است.

در کتب لغت، واژه کسب به معنای کوشش است و در مقابل آن «الکسالة»، یعنی تنبلی و بیکاری قرار دارد (قمری، ۱۳۸۱: ۲۳۵). بنابراین کسب عبارت است از آنچه از فعل، قول، عمل و نشان دادن توان و نیرو، آشکار می‌شود، فعل هم عبارت است از به دست آوردن، نفع و دفع زیان (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳: ۶۴۸). موضوعی که در اینجا باید به آن توجه شود، بررسی تأثیرات کار بر ابعاد فردی و اجتماعی است.

۱. تأثیر فردی کار

فعالیت ذهنی و جسمی، تأثیر فراوانی در فعلیت یافتن توانایی‌های انسان دارد. افراد با کار کردن می‌توانند، علاوه بر تأمین نیازهای مادی، ابعاد شخصیتی خود را بشناسند. به همین دلیل است که کسالت و تنبلی در آموزه‌های اسلامی، ملامت شده است. کار، عملی ارزشمند، بالاترین عبادت، جهاد، اطاعت خدا و موجب عزت و در نتیجه، کارگر، محبوب پروردگار عالم است. بیکاری، امری زشت، نکوهیده و نادرست و شخص بیکار مورد غضب خدا و نفرت خلق است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُغِضُّ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَ كَثْرَةَ

الْفَرَاغِ» (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۱۲، ح ۳). خواب و بیکاری زیاد باعث غضب خداست.

اسلام، ابعاد زندگی کاری را از محدوده دنیا فراتر برده و برای آن اجر اخروی نیز در نظر گرفته است: «مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل / ۹۷)؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک، زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.» بنابراین کار کردن موجب تعالی روح و فرد نزد خداوند دارای مقام و ارزش می‌شود. رسول خدا ﷺ فرمودند: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي عِدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَ يَأْخُذُ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳، ۲۴)؛ هر کس از زحمت دسترنج خویش، مخارجش را تأمین کند، روز قیامت در صف پیامبران قرار می‌گیرد و از عنایاتی که انبیا را شامل می‌شود، او نیز بهره می‌برد.»

اشتغال برای افراد، هم سود اقتصادی دارد و هم فواید روانی. در بُعد روانی، افراد شاغل، احساس نشاط می‌کنند و این امر، زمینه شادابی خانواده را فراهم می‌سازد. سود اقتصادی و فواید روانی با یکدیگر نیز ارتباط دارند. هنگامی که فرد به کاری مشغول است و کسب درآمد می‌کند، عزت نفس نیز پیدا کرده، احساس مفید بودن خواهد داشت.

۲. تأثیر اجتماعی کار

کار در مفهوم عام، سرچشمه انباشت ثروت و سرمایه یک جامعه تلقی می‌شود که منجر به رشد و شکوفایی جوامع می‌شود. در آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام شیوه استفاده از سرمایه‌های مادی به اندازه‌ای حائز اهمیت است که در حدیثی امام صادق علیه‌السلام، بقای اسلام و مسلمین را متوقف بر بهره‌برداری مناسب از اموال می‌داند. حضرت فرموده‌اند: بی‌تردید بقای مسلمین و اسلام در این است که ثروت‌ها، در دست کسانی باشد که شیوه به کارگیری صحیح آن را می‌دانند؛ همچنان که نابودی اسلام و مسلمین در آن است که ثروت‌ها در اختیار کسانی باشد که از مدیریت درست و سالم آن بی‌خبرند (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۱۱، ۵۲۱).

بنابراین، کار کردن علاوه بر تأثیرات فردی، دارای یک ارزش اجتماعی است و آن را یک وظیفه اجتماعی می‌توان دانست. افراد با اشتغال، هویت اجتماعی کسب می‌کنند و این امر از نظر روحی و روانی در تعالی جامعه مؤثر است؛ زیرا مردان علاوه بر دوری از انزوا، فرصتی برای بروز توانایی‌های خود می‌یابند. پرورش خلاقیت نیز در این تعاملات اجتماعی رخ می‌دهد. بنابراین تأثیرات اشتغال در زندگی فردی و اجتماعی به صورت دو جانبه است.

اکنون بعد از بررسی جایگاه و ابعاد زندگی خانوادگی و کاری، تلاش می‌شود که این دو زندگی با یکدیگر، ترکیب و شرایط تعادل در زندگی، استخراج شود.

تعادل در زندگی

اهمیت رسیدگی به وضع همسر و فرزندان، موضوعی است که علاوه بر کشش طبیعی، به وسیله توصیه‌های دینی نیز تأکید شده است. نکته قابل توجه در این بررسی‌ها، آن است که اگر مبنای ارزش‌گذاری و توجه به خانواده، منحصر در «عواطف» باشد، هنگام جمع میان وظایف اجتماعی و توقعات خانوادگی، با مشکل روبه‌رو خواهیم شد؛ به عبارت دیگر این توصیه‌ها، به گونه‌ای است که ممکن است افراد، دچار افراط شوند و از انجام وظایف اجتماعی خویش، باز بمانند.

بنابراین توجه به خانواده با عنصر «عواطف» بر مبنای تجلی عنصر «عقل» کامل می‌شود. رعایت خانواده در پرتوی مصالح و ارزش‌های برتری که به وسیله عقل تعیین می‌شود، مشخص می‌گردد. خداوند می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ... أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ (توبه/ ۲۴)؛ بگو: اگر پدرانتان و فرزندان‌تان و برادرانتان و همسرانتان و نزدیکانتان ... نزد شما محبوب‌تر از خدا و رسول او و جهاد در راه او هستند، پس منتظر امر خدا باشید.»

این تهدید، متوجه کسانی است که در عواطف خانوادگی، راه افراط را در پیش می‌گیرند، تا آنجا که از انجام وظایف الهی و اجتماعی باز می‌مانند. پس عواطف، محور اصلی ارزش‌ها نیست؛ بلکه نیازمند تعیین قیود و شرایط دیگری است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۷۴).

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری و توجه بیش از حد به کار، به طور طبیعی منجر به این خواهد شد که میزان رسیدگی به وضع اهل خانه، کاهش یابد. این موضوع خصوصاً در تأمین نیازهای عاطفی و جنسی زن و شوهر نسبت به یکدیگر، قابل تأمل است. خستگی ناشی از کار زیاد و سنگین، از میزان انرژی و توجه پدر به فرزندان می‌کاهد؛ چنان‌که فرزندان نیز امیدشان به جلب توجه والدین کاهش می‌یابد و این موضوع برای آنان، مشکلات تربیتی و عاطفی به وجود می‌آورد.

ریشه‌یابی مسائلی از این دست، توجه را به این موضوع جلب می‌کند که پدر به چه میزان باید وقت و دلمشغولی خویش را صرف امور خارج از خانه بنمایند؟ به بیان دیگر، تعادل در کار و زندگی بر اساس سبک‌زندگی اسلامی برای سرپرست خانوار چگونه است؟

برای بررسی موضوع، مناسب است میزان توجه به کار و خانواده را در یک طیف ترسیم کنیم تا وضعیت تعادل بین آنها را شناسایی کنیم. اگر یک طیف و محور را در نظر بگیریم که از نقطه صفر شروع شده و تا عدد ده امتداد داشته باشد، می‌توان چنین تصور کرد که «میزان توجه به

کار» ممکن است در هر نقطه از این طیف قرار گیرد. چنین طیفی را می‌توان برای «میزان توجه به خانواده» نیز ترسیم کرد. با ترکیب دو محور «میزان توجه به کار» و «میزان توجه به خانواده»، به یک نگاره دست پیدا می‌کنیم. در این نگاره در تلفیق کار و خانواده، پنج نقطه اساسی قابل توجه است که از آنها با عناوین بی‌توجه به زندگی، بدون برنامه، کارمحور، خانواده‌محور و زندگی متعادل، یاد کرده‌ایم. به نگاره شماره یک توجه کنید.

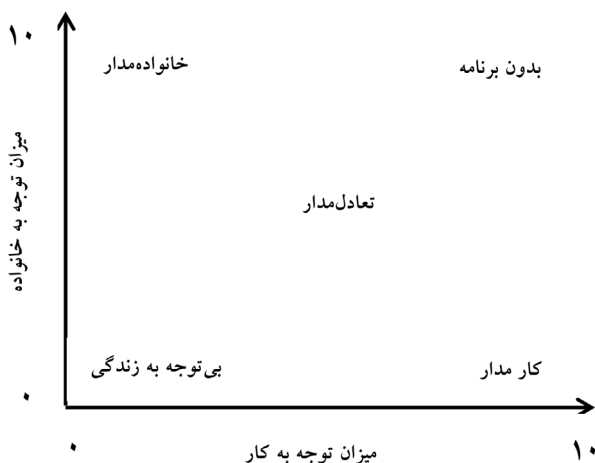
نقطه ۱-۱ بی‌توجه به کار و خانواده: بی‌توجه به زندگی؛

نقطه ۱۰-۱۰ همه‌توجه به کار و همه‌توجه به خانواده: بدون برنامه؛

نقطه ۱-۱۰ اوج توجه به کار و حداقل توجه به خانواده: کارمحور؛

نقطه ۱۰-۱ حداقل توجه به کار و اوج توجه به خانواده: خانواده‌محور؛

نقطه ۵-۵ توجه میانه به کار و خانواده: زندگی متعادل.



نگاره ۱. ترکیب کار و زندگی

از بین نقاط مشخص شده و برجسته در نگاره ترکیب کار و زندگی می‌توان دریافت که دو نقطه ۱-۱ بی‌توجه به زندگی و نقطه ۱۰-۱۰ بدون برنامه، مورد بحث و بررسی قرار ندارد؛ زیرا این موارد، بسیار نادر یا غیر ممکن است؛ اما سه نقطه دیگر، یعنی کارمدار، خانواده‌مدار و تعادل‌مدار، در حیطه بحث و بررسی قرار دارد و باید بر اساس منابع اسلامی برای استخراج سبک زندگی، مورد مطالعه قرار گیرد.

سبک کارمدار

افرادی که همه توان و توجه خویش را برای کار و تلاش اجتماعی بذل می‌کنند و وظایف و مسئولیت‌های خود را در برابر خانواده به فراموشی می‌سپارند، از نظر فرهنگ اسلامی، ملامت و مذمت شده‌اند. امام صادق علیه السلام درباره کسی که در کسب و کار افراط می‌کند، می‌فرماید: «مَنْ بَاتَ سَاهِرًا فِي كَسْبٍ، وَلَمْ يُعْطِ الْعَيْنَ حَظَّهَا مِنَ النَّوْمِ، فَكَسَبَهُ ذَلِكَ حَرَامٌ (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۱۲، ۱۱۸)؛ هر کس که در کسب و کار، شب‌ها بیدار بماند و هنگام استراحت، رعایت سلامت جسم را ننماید و حق چشم را از خواب و استراحت ادا نکند، کسب و کارش نامشروع است.»

سبک خانواده‌مدار

برخی از افراد با نگاه افراطی به خانواده، تصور می‌کنند که مهم‌ترین دلیل وجودی ایشان رسیدگی به خانواده و بذل تمام وقت برای ایشان است. این نوع تفکر، گاهی به گونه‌ای در افراد رواج پیدا می‌کند که به بهانه حضور مستمر خود در بین خانواده، تنبلی در پیش می‌گیرند و یا از دیگران انتظار دارند که زندگی آنان را تأمین کنند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در گفتاری حکیمانه، افراد تنبل را نکوهش می‌کند و می‌فرماید: ملعون است! ملعون است! کسی که بار زندگی خود را به گردن مردم بیندازد. ملعون است! ملعون است! کسی که خانواده‌اش را بر اثر ندادن نفقه، ضایع و تباه کند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۴: ۳۷).

ذهنیت چنین افرادی که تصور می‌کنند، بدون تلاش اجتماعی باید خود را وقف خانواده کنند، نادرست است؛ حتی آنان از خداوند نیز انتظار دارند که بدون کوشش، دعایشان را برای تأمین احتیاجات زندگی، برآورده سازد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: پنج دسته دعایشان به اجابت نمی‌رسد: یکی از آنها عبارت است از: «رَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَقَالَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَ لَمْ يَطْلُبْ (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۱۲، ۱۱۶)؛ مردی که در خانه، بیکار بنشیند و بدون اینکه دنبال تلاش و طلب روزی برود، بگوید: خدایا روزی نصیب من کن، دعایش مستجاب نمی‌شود.»

سبک تعادل‌مدار

زندگی معصومین علیهم السلام برای همه مسلمانان، یک الگوی عملی از سبک‌زندگی اسلامی است. آنان در عین حال که به وظایف اجتماعی خود به طور کامل همت می‌کردند، از وظایف خود در برابر خانواده‌شان نیز غافل نبودند. وقتی نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مشاهده کرد که حضرت علی علیه السلام در کارهای خانه به همسرش فاطمه زهرا علیها السلام کمک می‌کند، این کار را بالاتر از هزار سال عبادت شمردند (مجلسی، ۱۴۱۲: ۱۳، ۱۳۳). بارها مشاهده شد که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به کار در مزرعه

می‌پرداخت، با کلنگ، زمین را می‌کند، آن را شیار می‌زد، چاه حفر می‌کرد و نخل می‌کاشت. تعادل در زندگی کاری و خانوادگی یعنی اینکه هدف از کار، هم توسعه اجتماع باشد و هم تأمین نیازهای خانواده. نباید تلاش اجتماعی به گونه‌ای باشد که به وضعیت خانواده، لطمه وارد کند. امام کاظم علیه السلام فرمودند: آنکه در پی کسب روزی حلال برای تأمین معاش خود و خانواده برآید، مانند مجاهد در راه خداست. همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: هر کس برای بی‌نیازی از مردم و تلاش برای رفاه خانواده و مهربانی و خیرخواهی به همسایه در طلب مال و امکانات زندگی برآید، روز قیامت در حالی که صورتش همچون ماه شب چهارده درخشان است، خداوند را ملاقات می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲، ۱۹).

در این روایت مشاهده می‌شود که حضرت می‌فرمایند: انسان تلاشگر و کاسب رزق حلال، با هدف تأمین آسایش خانواده، دارای صورت نورانی است. بنابراین ارزش کار کردن به تأمین رفاه خانواده و اجتماع بستگی دارد.

همچنین از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که وقتی به یکی از اصحاب خود به نام «معلی» رسید و دید وی دیر به محل کار می‌رود، به او فرمودند: «صبح اول وقت، سراغ عزتت برو.» یعنی کار و کسب، موجب بی‌نیازی از غیر خدا و مایه عزت انسان است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲، ۱۸).

بنابراین مشاهده می‌شود که در اسلام، تفریط در کار و توجه به خانواده، مورد مذمت است. هدف از کار کردن، تأمین خانواده یعنی بنیاد اجتماع و تقویت این بنیاد نیز موجب تعالی اجتماع است؛ چنان‌که خانواده نیز کانونی برای تعالی فرد و جامعه است و هر دو در مسیر سعادت بشری قرار دارند.

راهکارهای سبک تعادل‌مدار

بعد از شناخت سبک تعادل‌مدار و مقایسه آن با سبک خانواده‌مدار و سبک کارمدار، اکنون به این نکته پرداخته می‌شود که گاهی خواسته‌ها و انتظارات خانواده، به گونه‌ای گسترده است که نمی‌توان با اختصاص ساعات معمولی به کار، آنها را تأمین کرد. در اینجا باید در برابر خواسته‌های خانواده ایستادگی کرد یا باید به کار طاقت‌فرسا تن داد؟

نگاه جامع به آموزه‌های اسلامی، این رهنمود را دارد که ایجاد تعادل در کار و خانواده، با راهکارهای متعددی صورت می‌گیرد. توصیه‌های متعدد اسلام در حوزه‌های مختلف کاری و خانوادگی است. برخی از آنها عبارتند از: تلاش مستمر و پایدار، رعایت قناعت در مصرف، اعتدال در کسب درآمد و مصرف و کمک خواستن از عوامل معنوی. برخی از این توصیه‌ها برای بهبود وضع زندگی و مدیریت بهتر خانواده و کار است.

۱. تلاش مستمر و پایدار

معاذ بن کثیر از یاران امام صادق علیه السلام به تجارت پارچه، مشغول بود. روزی به حضرت گفت: تصمیم دارم بازار را ترک کنم؛ زیرا به اندازه کافی مال دارم. امام فرمودند: با این عمل، بی اعتبار می شوی. آیا توان تجارت را از دست داده‌ای یا به آن بی رغبت شده‌ای؟ معاذ عرض کرد: مال فراوانی دارم و بدهکار کسی هم نیستم و گمان نمی‌کنم حتی تا وقت مرگ، اموالم تمام شود. حضرت فرمود: تجارت را رها نکن که زمینه نابودی خرد است. برای خانواده‌ات بکوش و آنان را علیه خود با این عمل تحریک مکن (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲، ۲۱).

بنابراین در فرهنگ اسلامی، نباید از هیچ تلاشی در جهت تقویت بنیه مادی خانواده کوتاهی کرد. کار کردن تنها با هدف تأمین زندگی نیست؛ بلکه کار، یک فرهنگ ممدوح است که باید رواج یابد.

۲. قناعت

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: هر کس به مقدار رزقی که خداوند به او داده قانع باشد، پس او بی‌نیازترین مردم است (مجلسی، ۱۴۱۲: ۷۳، ۱۷۸). انسان‌های حریص، هنگامی که به منابع مالی و راهکارهای کسب مال دست پیدا می‌کنند، سرمست از لذت مال‌اندوزی و مصرف کردن، از فرهنگ اسلامی فاصله می‌گیرند. در آموزه‌های اسلامی به قناعت‌پیشگی بسیار تأکید شده است. افرادی که در زندگی، قناعت پیشه می‌کنند، از آرامش بیشتری برخوردارند. این در حالی است که افراد حریص با تلاش افراطی از یک سو و از سوی دیگر با اسراف در مصرف، سعی می‌کنند به آسایش برسند.

۳. اعتدال

امام کاظم علیه السلام درباره اعتدال در مصرف می‌فرمایند: هر کس میانه‌روی را رعایت کند و قانع باشد، نعمت برایش باقی خواهد ماند و هر کس اسراف کند، نعمت از دستش خواهد رفت (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۸۷، ۳۲۷). مصرف زیاد و افراطی، مهم‌ترین بهانه کسب درآمد بیشتر و انجام فعالیت است. در نتیجه حضور سرپرست خانواده در کنار همسر و فرزندان کمتر می‌شود و توجه کمتری به آنان می‌کند. پیش از این بیان شد که افراد باید در فعالیت اجتماعی و کسب و کار، اعتدال داشته باشند، همان‌گونه که در صرف هزینه‌های زندگی چنین باید کنند. اعتدال در زندگی، تضمین‌کننده آینده خانواده خواهد بود. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: ضمانت می‌کنم کسی که میانه‌روی پیشه کند، به فقر مبتلا نشود (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳، ۳۷).

۴. توکل

بر اساس آموزه‌های اسلامی، همان‌گونه که انسان‌ها به کوشش برای کسب درآمد، سفارش شده‌اند، از آنها خواسته شده که مالکیت حقیقی خداوند را فراموش نکنند. در واقع ابزارهای معنوی، مانند توکل در ایجاد آرامش در زیستن و تعادل در کسب و زندگانی، نقش بسزایی دارد. در تفکر اسلامی، مالک حقیقی جهان هستی، خداوند است، اوست که رزق بشر را توزیع می‌کند و اختیاردار عزت و شرف انسانی است.^۱ امیر المؤمنین علیه السلام با اشاره به این حقیقت می‌فرماید: مردم نان خورهای خدایند، خداوند روزی آنها را ضمانت و خوراکشان را مقدر کرده است (نهج البلاغه، خطبه ۹۱).

بر این اساس، توکل به خداوند متعال، یکی از راهکارهای مهم برای جلب درآمد و روزی است؛ چنان‌که نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر آن‌گونه که باید، به خدا توکل کنید، خداوند همان‌گونه که پرندگان را روزی می‌دهد، شما را روزی خواهد داد؛ چنان‌که پرندگان با شکم خالی، صبح را آغاز می‌کنند و با شکم پر، روز را به شب می‌برند (متقی هندی، ۱۴۰۹: ح ۵۶۸۴). انسان در کنار تلاش برای کسب درآمد و همت برای ایجاد آرامش در خانواده، همه این امور را با توکل به خداوند انجام می‌دهد. از آنجا که خداوند، مالک حقیقی است، مددکار حقیقی بندگان نیز خواهد بود؛ هر چند که پروردگار، روزی انسان‌ها را مقدر کرده است؛ اما آنان باید با تلاش معقول و استفاده از ابزار و اسباب آن، برای به دست آوردن رزق خود تلاش کنند.

۵. دعا

یکی از مهم‌ترین راهکارهای ایجاد تعادل در زندگی و کار، استمداد از خداوند است. در سفارش‌های معصومین علیهم السلام، دعا و درخواست از خدای منان، یک شیوه مهم برای جلب روزی دانسته شده است. امام باقر علیه السلام هر روز بعد از خواندن نماز صبح، چنین دعا می‌کردند: خدایا بی‌تردید، تو کفیل روزی من و دیگر موجودات هستی، پس به روزی من و افراد تحت تکفل من، وسعت بده. به سبب روزی حلالیت و مرا از فقر کفایت کن (مجلسی، ۱۴۱۲: ۶۹). کسب درآمد کافی و ایجاد آسایش در خانه، امری است که از عهده انسان به تنهایی بر نمی‌آید؛ بلکه نیازمند کمک خواستن از خداوند متعال است.

۱. خداوند در سوره آل عمران آیه ۲۶ می‌فرماید: بگو: بارالها! مالک حکومت‌ها تویی به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبی‌ها به دست توست. تو بر هر چیزی قادری.

۶. حلال بودن درآمد

یکی از راهکارهای مؤثر در ایجاد و تقویت سبک تعادل‌مدار برای مسلمانان، توجه به حلال بودن درآمد است. اعتقاد مسلمانان، این است که درآمد حلال، یک عبادت است که موجب برکت می‌شود و سودآوری فراوانی در دنیا و آخرت برای انسان دارد.

امام صادق علیه السلام یکی از خدمتکاران خود را به نام «مصادف»، با دادن هزار دینار سرمایه برای تجارت، روانه مصر کرد. وی همراه تعدادی از تجار به مصر رفت. کاروانیان مطلع شدند که کالایشان در مصر با کمبود مواجه شده است. بنابراین فرصت را غنیمت شمردند و قیمت کالا را دو برابر کردند و در نتیجه با سودی دو برابر همیشگی به مدینه بازگشتند. هنگامی که «مصادف»، خدمت امام صادق علیه السلام رسید و دو هزار دینار در مقابل آن حضرت گذاشت، آن حضرت از ایشان علت این همه سود را جویا شدند و وقتی دانستند که آن سود از طریق تبانی و بازار سیاه به وجود آمده است از گرفتن آن امتناع کردند و فرمودند: ای مصادف، مبارزه با شمشیر، از به دست آوردن مال حلال، آسان‌تر است (کلینی، ۱۳۷۲: ۵، ۱۶۱). کسب درآمد مهم است؛ اما با حفظ حقوق دیگران و رعایت مصالح جامعه؛ از این‌رو در سبک‌زندگی اسلامی، مردان تلاش دارند که با کسب درآمد حلال، زمینه آسایش خانواده خود و جامعه را فراهم کنند.

نتیجه‌گیری

تعادل در زندگی کاری و خانوادگی به معنای توجه کردن به هر دو به اندازه کافی است. ایجاد تعادل بین این دو بر اساس آموزه‌های اسلامی، یعنی سبک‌زندگی اسلامی. در این سبک، مردان در جایگاه سرپرست خانوار، وظیفه دارند همان‌گونه که دلمشغولی خانواده را دارند، برای وظایف اجتماعی و کاری، دغدغه داشته باشند.

بر اساس مطالعات انجام شده، اسلام به زندگی خانوادگی، اهمیت زیادی داده است. روابط با والدین، همسر، فرزندان و خویشاوندان نسبی و سببی، مهم‌ترین بعد این زندگی است. زندگی کاری نیز هم در روحیه و تعالی افراد، نقش دارد و هم در تعالی جامعه؛ از همین رو مهم و ارزشمند است. افراد در سبک‌زندگی خود نباید کارمدار باشند و همه همت خویش را در مسیر شغلی، صرف کنند؛ چنان‌که نباید کار را رها کنند و به اصطلاح، خانواده‌مدار باشند و همه توجه و انرژی خود را برای اهل خانه، صرف کنند. سبک تعادل‌مدار که با آموزه‌های اسلامی سازگار است، به هر دو زمینه کار و خانواده توجه می‌کند. افراد به منظور تقویت این سبک باید تلاش مستمر داشته باشند و قناعت پیشه کنند؛ چنان‌که اعتدال در زندگی و توجه به کسب روزی حلال نیز ضرورت دارد. سبک تعادل‌مدار، نیازمند توکل به خداوند و استمداد از محضر ربوبی نیز است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر.
 ۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، علی.
 ۳. اباذری، یوسف و عباس کاظمی (بهار ۱۳۸۴)، «رویکردهای نظری خرید: از جامعه‌شناسی تا مطالعات فرهنگی»، فصل‌نامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵.
 ۴. ادگار، اندرو و پیترسیج ویک (۱۳۸۷)، مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر آگاه.
 ۵. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول، قم: کتابفروشی اسلامیة.
 ۶. اسدی، آریو و همکاران (۱۳۹۳)، «عوامل سازمانی مؤثر بر تعادل کار و زندگی کارکنان یک شرکت تولید قطعات خودرو»، فصل‌نامه مدیریت دولتی، دوره ۶، شماره ۲.
 ۷. برقی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، مهر تابان، در سیرت پیشوای ارباب فضیلت امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام، تهران: نوین.
 ۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۳)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالاحیاء.
 ۹. قمری، عبدالستار (۱۳۸۱)، فرهنگ دلیل الطالب فی المفردات و المصطلحات: فرهنگ اصطلاحات روزمره عربی به فارسی، تهران: یادواره کتاب.
 ۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، بیروت: آل‌البت علیهم السلام لاحیاء التراث.
 ۱۱. صابری یزدی، علیرضا (۱۳۷۶)، الحکم الزاهره عن النبی و عترته الطاهره علیهم السلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۱۲. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۲۶ق)، مکارم الاخلاق، قم: دارالهدی.
 ۱۳. مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۲ق)، بحار الانوار، بیروت: بی‌نا.
 ۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
 ۱۵. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۳۹۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله.
 ۱۶. میرسپاسی، ناصر (۱۳۷۵)، مدیریت منابع انسانی و روابط کار: نگرشی راهبردی، تهران: شروین.
 ۱۷. نوری، محمد (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام لاحیاء التراث.
18. Barnett, R. & Bhargava, S. (2010), Work-family enrichment as a

mediator between organizational interventions for work-life balance and job outcomes. *Journal of Managerial Psychology*, 25.

19. Clark, S. C. (2000), Work/family border theory: A new theory of work/family balance. *Human Relations*, 53 (6).

20. Fung, N. & Ahmad, A. & Omar, Z. (2014), Role of Work-Family Enrichment in Improving Job Satisfaction. *American Journal of Applied Sciences*, V 11. January.

21. Greenhaus, J. H. & Beutell, N. J. (1985), Sources of conflict between work and family roles. *The Academy of Management Review*, 10 (1).

22. Mat Jusoh, M. & Ahmad, A. & Omar, Z. (2012), Mediating Role of Work-Family Psychological Contract in the Relationships between Personality Factors and Job Satisfaction. *The Journal of Human Resource and Adult Learning*, V 60 ol. 8, Num. 2, December.

23. Baral, Rupashree & Bhargava, Shivganesh (2010), Work-family enrichment as a mediator between organizational interventions for work-life balance and job outcomes. *Journal of Managerial Psychology*, 3.